

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

## شاخص‌های اصلی حاکمیت "طالب"‌ها در افغانستان پس از خروج خارجی‌ان چگونگی تجمع قدرت و دولت در یک بستر منحصربفرد دموکراسی معیوب و پیامدهای آن در کشور

خاصیت انباشتگی و گزینشی دولت و قدرت  
نبض قدرت سیاسی بدست کیها چرخید  
سناریوهای منفی سیر حوادث کشور  
طرح کانتکتست تضاد دولت - ملت

حاکمیت سیاسی، حاکمیت و نظامی است که بامور سیاسی و دولتی می پردازد، این نظام اغلب با نظام حقوقی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و دیگر نظام‌های اجتماعی مورد مقایسه قرار می گیرد. البته این دیدگاه بسیار ساده ای از یک نظام پیچیده تر است که بمقوله‌هایی از این قبیل می پردازد که چه کسی باید در مسند قدرت باشد، مسایل و امور مذهبی چگونه باید مدیریت شوند و دولت باید چه تأثیری بر مردم و اقتصاد داشته باشد. اما در اینمورد چندین تعریف از حاکمیت سیاسی وجود دارد: نظام سیاسی، مجموعه کاملی از نهادها، گروه‌های ذینفع (از قبیل احزاب سیاسی، اتحادیه‌های تجاری و گروه‌های رأی دهی) و ارتباطات میان آن نهادها و قواعد و نورم‌های سیاسیست که عملکردهای آنها را اداره میکنند (بگونه نمونه چون قانون اساسی و قانون انتخابات)، یک نظام سیاسی نظامی است که ضرورتن دارای دو مشخصه می باشد: مجموعه ای از اجزای مستقل که دارای مرزهایی با یکدیگر هستند و هر یک در محیطی کایجاد شده، مشغول فعالیت می باشند. نظام سیاسی مفهومی است که از لحاظ نظری بروشی از حکومتداری اطلاق میگردد که بر سیاستگذاری و سازما ندهی کردن بیشتر آنان در تشکیلات خود می پردازد. یک نظام سیاسی که حفظ نظم و یکپارچگی را در جامعه تنظیم مینماید و در عین حال باعث میگردد که برخی نهادهای دیگر نیز نارضایتی‌ها و شکایتهای خویش را در ایندوره از حیات اجتماعی مطرح نموده و با دیگران در میان بگذارند.

کلام کنونی را با این پرسش آغاز می نمایم که "طالب"‌ها در حالی که بانوان کشور را سرکوب، جامعه مدنی را نابود و از تجارت ذغال سنگ و قاچاق مواد مخدر کسب درآمد می نمایند، چگونه و بر چه منوالی بمنظور برقراری روابط و مناسبات دیپلماتیک و برسمیت شناختن آنها توسط جامعه جهانی تقلاً مینمایند؟ در بحث حاضر از بررسی شرایط و وضعیت اقتصادی شروع نموده و به تعقیب آن، بگونه مختصری درباره مسایل و موضوعات مورد نظر، گفتگو و بحث را همچنان ادامه خواهیم داد. مدتی قبل، سازمان بین المللی کار اعلام نمود که پس از بقدرت رسیدن "طالب"‌ها در افغانستان، از یکسو بدلیل بحران اقتصادی و از جانب دیگر بدلیل ممنوعیت‌هایی در مورد کار و اشتغال بانوان کشور، بیکاری بگونه گسترده ای جامعه را فرا گرفت که در نتیجه وضعیت اینچینی، بیشترین خساره را بانوان کشور و خانوارهای آنها متحمل گردیده و از این مدرک دچار آسیب‌های فراوانی گردیدند. در نخستین ماه‌های حاکمیت خودخوانده "طالب"‌ها، بیشتر از ۵۰۰ هزار تن از شهروندان کشور، کار و مشغولیت‌های شان را از دست دادند. در گزارش سازمان ملل از جمله یادآوری بعمل آمده که با وجود وضعیت اینچینی، سطح اشتغال

بانوان کشور بر مبنای معیارهای جهانی از نازلترین ها بشمار می آید. در امتداد ربع اخیر سال پسین، سطح اشتغال آنها به ۱۶ درصد تنزیل نمود. پیشبینی میگردد که در اواسط سال روان، رقم یادشده ممکن به ۲۸ درصد تنزیل نماید. پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، تولید و صدور مجدد مواد مخدر، بویژه تریاک و تا حدودی هم هیروین بیکی از منابع اصلی و پردرآمد آنها مبدل گردید. قابل یاددهانی پنداشته می شود که تجارت مواد مخدر در کشور، در امتداد زمانی حاکمیت های قبل از "طالب" ها نیز رونق داشت. بر بنیاد گزارش های سازمان ملل، مدرک حاصله از قاچاق مواد مخدر از ۱،۸ میلیارد دالرب به ۲،۷ میلیارد دالرب ارتقا نمود که ۱۱ درصد از عواید ناخالص ملی کشور را تشکیل می داد. پاکستان و ایران بگونه سنتی، مسیرهای قاچاق مواد یادید شده محسوب می گردند. در مقابل، از کشورهای یاد شده با دوزدن تحریم های بین المللی، انواع مختلف سلاح و مهمات جنگی و حربی وارد کشور ما می گردد.

در امتداد ماه ثور سال روان، هیبت الله آخوند زاده، رهبر "طالب" ها در مورد منع کشت خشخاش به هدف تهیه هیرو هین و یا تولید سایر مواد نشئه آور، فتوایی صادر نمود. اما نشریه فرانسوی "لوموند" در اینباره نوشت کاجرای عملی فتوای اینچینی، پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت. "طالب" ها نیز بگونه همیشگی یادآوری می شوند کاتنها اقدامات معین و مشخصی در مورد منع کشت و زرع خشخاش و قاچاق مواد مخدر اتخاذ نموده و در این مسیر کوشا می باشند، اما همچنان از جانب آنها یادآوری بعمل می آید که با منع فرار دادن زرع و کشت مواد یادشده که یگانه وسیله استمرار حیات و زنده ماندن دهقانان کشور بشمار می آید، آنها بگونه مستقیم و غیر مستقیمی، در قبال عملکرد اینچینی مقامات دولتی بمخالفت برخاسته و شورشهایی را دامن خواهند زد. اما قابل یاددهانی پنداشته می شود که بقای "طالب" ها، تنها و صرف به عواید حاصله از مدرک تجارت و قاچاق مواد مخدر خلاصه نمی گردد، بلکه با تحلیل ساختار اقتصاد "طالب" ها، در مورد یادشده، واقعیت های موجود دیگر نیز بر ملا می گردد. از جمله می توان با جرأت گفت که نخستین مدرک عایداتی "طالب" ها، از همان نخستین روزهای بقدرت رسیدن آنها، جمعآوری هزینه های حمل و نقل توسط جنگجویان مسلح گروه یادشده بویژه از راننده های کامیون هایبکه از مرزها داخل کشور میشوند و حتا از وسایل نقلیه که در داخل محدوده کشور عبور و مرور می نمایند، صورت می گیرد. با بقدرت رسیدن "طالب" ها، آنها در صدد استفاده و بهره برداری از منابع طبیعی کشور گردیده و بر همین بنیاد، در امتداد ماه حوت سال ۱۴۰۰، وسایل اطلاعات همگانی کشور از مذاکرات و انجام گفتگوها و توافق "طالب" ها با مقامات چینی در مورد استخراج و بهره برداری از معدن های مس و لیتیوم در کشور خبر دادند، اما نظربدلایی تاکنون هم حتا کار در زمینه یادشده اصلن آغاز نگردیده است.

در وضعیت و شرایط حاضر تا کنون هیچیک از دولت ها و کشورهای جهان، "طالب" ها را اصلن بر رسمیت نشناخته و آنها را بمثابة گروه های تروریستی می پندارند که بر این بنیاد، آنها در انزوای دیپلماتیک بسر می برند. اما با وجود اینهمه، وضعیت اینچینی مانع شرکت و سهمگیری مقامات جدید افغانستان در کنفرانسها و گردهمایی های بین المللی نمی گردد.

در کنار کشورهای دیگر، در همان نخستین روزهای بقدرت رسیدن "طالب" ها، در مجموعه اتحادیه اروپا، بحث های گسترده ای در مورد چگونگی موضعگیری در قبال "طالب" ها مطرح بحث قرار داده شد. در ماه سنبله سال ۱۴۰۰، خوذل بوریل، رهیس دیپلوماسی اتحادیه اروپا از برنامه گشایش دفتر نمایندگی آن اتحادیه در کابل خبر داد. رهیس جمهور فرانسه نیز از موضوع فوق در جریان سفرش به دوحه یادآور شد. بر بنیاد اظهارات نامبرده، برخی از کشورهای اروپایی در صدد گشایش نمایندگی دیپلماتیک شان در افغانستان می باشند. اما وی همچنان تاکید بعمل آورد ک اقدامات اینچینی بمفهوم بر رسمیت شناختن حاکمیت "طالب" ها محسوب نمی گردد. برنامه یاد شده تاکنون از قوه بفعل مبدل نگردیده است.

شورای امنیت سازمان ملل در آغاز سال روان، قطعنامه ایرا در مورد چگونگی استقرار مناسبات با افغانستان تحت اداره "طالب" ها تصویب نمود. در قطعنامه یادشده، با اینحال که کلمه "طالب" ها بکار نرفته، اما مأموریت جدید معاونیت سازمان ملل در کشور ما (یوناما) برای یکدوره یکساله دیگر تمدید گردیده است. در متن یادشده از روابط سازمان ملل با افغانستان، با کشوری کاصلن از امتیاز داشتن نمایندگی در سازمان ملل محروم میباشد، یاددهانی بعمل آمده است. در قطعنامه یادشده، موارد مشخص همکاری ها بگونه زیر مشخص گردیده: در عرصه معاونت های انسانی، مسایل سیاسی و دفاع از حقوق بانوان کشور. بر بنیاد اظهارات بسیاری از اعضای شورای امنیت سازمان ملل، نه تنها بگونه ای در رفع بحران انسانی و تداوم معاونت های بشردوستانه به شهروندان نیازمند،

بلکه بمنظور تحکیم صلح و استقرار ثبات و امنیت سراسری در افغانستان پس از درگیری های دوامدار مسلحانه، مفید و مؤثر پنداشته می شود.

در مورد بحران انسانی در کشور عزیز ما بایست متذکر گردید که در سازمان ملل در باره ضرورت تداوم همکاری عملی و مؤثر کمیسیون ویژه سازمان ملل با "طالب" ها بمنظور جلوگیری از وسعت و گسترش بحران و فاجعه انسانی در افغانستان از اهمیت ویژه ای برخوردار میباشد. اما در کنار موجودیت معضلات گونه گونه ایی در بخش رهبری دولت و رهبری کشور بمفهوم وسیع کلمه، این واقعیت را نباید از نظر دور نگهداشت که با بقدرت رسیدن رسیدن "طالب" ها، خشکسالی سراسر کشور را فراگرفت که بخودی خود سبب ایجاد و شکل گیری بحران مواد غذایی در کشور گردید. همچنان بزرگترین معضل دیگر از جمله یکی هم وقوع زمین لرزه در کشور، آنهم در امتداد خط دیورند میان افغانستان و پاکستان در امتداد سال ۱۴۰۱، بیش از پیش بمشکلات شهروندان کشور افزود که در نتیجه آن بتعداد ۱۵۰۰ تن از شهروندان کشور کشته شده و بتعداد ۲۰۰۰ تن هم زخم برداشتند.

بربنیاد آمارهای منتشره توسط سازمان ملل، در امتداد زمانی هشت ماهه، در افغانستان بتعداد ۹ میلیون تن از شهر وندان میهن ما از دسترسی به غذای کافی برخوردار نبودند. اگر در ماه سرطان سال پار بتعداد ۱۴ میلیون تن از افغان ها از گرسنگی رنج می کشیدند، در سال روان این تعداد به ۲۳ میلیون تن در کشور ارتقا نمود. بنابراین، بتعداد تقریباً ۹۵ درصد از شهروندان کشور ما از معضل یادشده شدید در عذاب قرار دارند. تعداد بیشماری از انسان های میهن عزیز ما، صرف بمنظور زنده ماندن تقلاً می نمایند. با اینحال، گزارش های گزارشگر تنظیم و هماهنگی معاونت های بشر دوستانه در کشور ما واقعیت های تلخ و ناراحت کننده پنداشته میشود. در بخشی از گزارش یادشده آمده که برنامه غذایی جهان و سایر بنیادهای خیریه سازمان ملل، بویژه در مورد وضعیت کودکان افغان ابراز نارا حتی نموده و اظهار گردیده که بخش عظیمی از کودکان کشور به غذای کافی دسترسی ندارند. سازمانهای بین المللی تأکید می ورزند که اضافه از ۵،۳ میلیون تن از کودکان کشور به تغذیه پزشکی نیاز اشد دارند. بسترهای بیمارستان ها مملو از کودکان و اطفال مریض و گرسنه می باشد. عده ایی از آنها در برخی از ساحات کشور باندازه ای لاغر و ضعیف می باشند کامکان هیچگونه تحرکی در آنها بمشاهده نمی رسد. در مورد نقض حقوق بشر بایست یادآور شد که با تصرف قدرت توسط "طالب" ها در کشور در کنار اعمال فشار و تضییق آزادی های فردی و اجتماعی، در بسیاری از بخش های زندگی به نقض صریح حقوق بشر نیز مبادرت ورزیدند. در کشور عزیز ما افغانستان، از بازداشت های خودسرانه و خلاف قانون نیز خبرهایی بگوش می رسد. همچنان اخباری از برخوردهای بشدت خصمانه علیه نماینده های جامعه مدنی، فعالان حقوق بشر، روزنامه نگاران، نماینده های وسایل اطلاعات همگانی و کارمندان قبلی بخش های امنیتی کشور نیز اطلاعات مؤثقی موجود می باشد.

مأموریت سازمان ملل در امور مربوط بکشور ما اعلام نمود که نقض صریح حقوق بشر، از جمله بدار کشیدن برخی از افراد و اشخاص آنهم در ملای عام، برخورد نهایت خصمانه در قبال شهروندان ملکی و مرگ کارمندان امنیتی قبلی کشور را می توان از جمله کارنامه های "طالب" ها در امتداد زمانی یکسال پس از تصرف قدرت توسط آنها برشمرد.

بیشترین بخش عملکردهای اینچنینی بواسطه بخش های دوگانه ایجاد شده "طالب" ها یعنی توسط اداره امر با معروف ونهی از منکر و استخبارات آنها انجام می پذیرد.

در گزارش های بنشر رسیده "یوناما" در مورد وضعیت حقوق بشر، بویژه در امتداد ده ماه نخست اداره "طالب" ها (از ماه اسد سال ۱۴۰۰ الی ماه سرطان سال ۱۴۰۱) از دستگیری های خودسرانه و توقیف خبرنگاران، مدافعان حقوق بشر و اعتراض کننده ها تذکر بعمل آمده است. کارشناسان سازمان ملل از ۱۶۰ محکمه صحرایی بدون حکم محکمه، ۱۷۸ توقیف خودسرانه، ۵۶ مورد شکنجه کارمندان و نظامیان قبلی در کشور خبر می دهد. همچنان از ۲۱۰۶ قربانی (شامل ۷۰۰ کشته و ۱۴۰۶ مجروح) بویژه در میان اقلیت های مختلف قومی و بجرم عدم رعایت و بجا نمودن شرایط پوشش حجاب منحصر بفرود در کشور خبر داده می شود.

همه آگاه و مطلع می باشند که با بقدرت رسیدن "طالب" ها، وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر منحل گردیده و بانوان کشور از حق کار و اشتغال در امور اجتماعی محروم گردیدند. بانوان کشور نمی توانند در خارج از محدوده منزل آزادانه گشت و گذار نموده و همچنان بدون موجودیت محرم شرعی بیشتر از ۷۲ کیلومتر نمی توانند سفر نمایند. پدر و یا نزدیکترین اقارب بانویی که از اجرای ضوابط یادشده تخلف ورزیده، در قبال

مقامات پاسخگو بوده و خطر اخراج از کاروندانی شدن نیز آنها را تهدید می نماید. آزادی بیان بگونه منحصر بفردی محدود و محدود تر گردیده و مدافعین و هوأخواهان آن مورد انواع تهدیدها و فشار هایی قرار داده می شوند.

بربنیاد گزارش سازمان بین المللی مدافع حقوق بشر و "گزارشگران بدون مرز"، یکسال پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها در کشور، وسایل اطلاعات همگانی به نصف تقلیل نمود. در امتداد سال پار، از مجموع ۵۴۷، بتعداد ۲۱۹ وسیله اطلاعات همگانی توقیف گردیده و از ادامه فعالیت ممنوع گردیدند. از تعداد مجموعی ۱۱۸۵۷ تن روزنامه نگار موجود قبل از رویکار آمدن "طالب"ها، در شرایط و وضعیت کنونی تنها و صرف بتعداد ۴۷۵۹ تن از آنها یعنی نیمی از تعداد قبلی در کشور موجودند. اما "طالب"ها بنویه خویش، گزارش سازمان ملل در مورد نظارت بر حقوق بشر در افغانستان را صرف و صرف "پروپاگند" نامیدند.

شنبه ۵ ماه قوس سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۲۶ ماه نوامبر سال ۲۰۲۲ ترسایی